

Manifestations of Electoral Justice in Jurisprudence and Law

Alireza Ghasemzadeh¹, Alireza Asgari^{2*}, Hossein Javadi³

1. PhD Student of Department of Theology, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law and Thought of Imam Khomeini (RAH), Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
2. Associate Professor of Law Department, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Law, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 627-644

Article history:

Received: 2 Apr 2024

Edition: 22 May 2024

Accepted: 14 Aug 2024

Published online: 2 Jan 2025

Keywords:

electoral justice, equal opportunity for participation, equal opportunity to become a candidate, non-discrimination, citizenship rights.

Corresponding Author:

Alireza Asgari

Address:

Iran, Qom, Islamic Azad University, Qom Branch, Law Department.

Orchid Code:

Tel:

Email:

alireza.asgari88@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Elections are one of the important manifestations of people's political participation in the management of society's affairs, and there are disagreements about how to hold them. Based on this, the purpose of this article is to examine the effects of electoral justice in jurisprudence and law.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: The findings showed that electoral justice in Islamic jurisprudence means that all people should have an equal opportunity to participate in elections and no group or individual should be deprived of this right. From a legal point of view, electoral justice means observing the principles and Shariah regulations in all stages of elections, including determining the eligible candidates, voting, counting votes and announcing the results. These principles and regulations include things such as non-discrimination, civil rights, trustworthiness and transparency. From a legal point of view, electoral justice means compliance with the country's laws and regulations in the election process.

Conclusion: In general, the indicators of electoral justice from the point of view of Iranian jurisprudence and law should be defined in such a way that they are compatible with both the principles and regulations of Sharia and the laws and regulations of the country.

Cite this article as:

Ghasemzadeh AR, Asgari AR, Javadi H. Manifestations of Electoral Justice in Jurisprudence and Law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



دوره ششم، شماره ۵، سال ۱۴۰۳

جلوهای عدالت انتخاباتی در فقه و حقوق

علیرضا قاسم‌زاده^۱، علیرضا عسگری^{۲*}، حسین جوادی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه الهیات، فقه و مبانی حقوق اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره)، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: انتخابات یکی از مظاهر مهم مشارکت سیاسی مردم در اداره امور جامعه است که در خصوص نحوه برگزاری آن اختلاف نظر وجود دارد. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی جلوه‌های عدالت انتخاباتی در فقه و حقوق است. **مواد و روش‌ها:** مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است. **ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد عدالت انتخاباتی در فقه اسلامی به معنای این است که همه افراد باید فرصت برابری برای شرکت در انتخابات داشته باشند و هیچ گروه یا فردی نباید از این حق محروم شود. از منظر فقهی، عدالت انتخاباتی به معنای رعایت اصول و مقررات شرعی در تمامی مراحل انتخابات از جمله تعیین واجدین شرایط، رأی‌گیری، شمارش آرا و اعلام نتایج است. این اصول و مقررات شامل مواردی مانند عدم تبعیض، احقاق حقوق شهروندی، امانت‌داری و شفافیت هستند. از منظر حقوقی نیز عدالت انتخاباتی به معنای رعایت قوانین و مقررات قانونی کشور در فرآیند انتخابات است. این شامل مواردی مانند حق برابری در دسترسی به امکانات انتخاباتی، حق بیان آزادانه نظرات سیاسی، حقوق نامزدها و حقوق رأی‌دهندگان است. **نتیجه:** به‌طور کلی، شاخصه‌های عدالت انتخاباتی از منظر فقه و حقوق ایران باید به گونه‌ای تعریف شوند که هم با اصول و مقررات شرعی و هم با قوانین و مقررات قانونی کشور سازگار باشند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۲۷-۶۴۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۴

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۳

واژگان کلیدی:

عدالت انتخاباتی، فرصت برابر مشارکت، فرصت برابر کاندیدا شدن، عدم تبعیض، حقوق شهروندی.

نویسنده مسئول:

علیرضا عسگری

آدرس پستی:

ایران، قم، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، گروه حقوق.

کد ارکید:

تلفن:

پست الکترونیک:

alireza.asgari88@gmail.com

۱. مقدمه

شرکت در انتخابات از مصداق‌های بارز حفظ و ارتقای نظام اجتماعی به حساب می‌آید. چراکه مردم در سایه انتخابات می‌توانند در انتخاب افراد شایسته و واجد صلاحیت جهت اداره امور کشور، نظام اجتماعی احسن برپا کرده و در پناه آن راه سعادت را بر خود هموار سازند. یکی از ضرورت‌های زندگی بشری تشکیل حکومت است و بر مسلمانان واجب کفایی است که جهت تشکیل حکومت اسلامی تلاش کنند. حکومت صالح و مطلوب آنگاه تشکیل می‌شود و به افراد صالح و مورد قبول واگذار می‌شود که مردم در انتخابات شرکت کنند و بر اساس موازین دینی و قانونی حکومت صالح و اشخاص شایسته حکومت که شرایط آن‌ها از سوی شارع، تعیین شده است را برگزینند. لازمه شرکت همه اقشار جامعه در انتخابات، رعایت عدالت انتخاباتی است.

رقابت و مبارزه جزء ذات انتخابات است. بنابراین، فرآیندهای انتخاباتی می‌تواند در معرض انواع مختلفی از سوء رفتار باشد، مانند رد رأی‌دهندگان و نامزدهای واجد شرایط، تقلب در انتخابات، ممانعت از فرآیندهای انتخاباتی هم توسط مقامات انتخاباتی و هم رای‌دهندگان، تخلفات مالی مبارزات انتخاباتی. هر یک از این موارد ممکن است منجر به اختلافات انتخاباتی شود و نحوه رسیدگی به اختلافات یکی از شاخص‌های مهم بی‌طرفی انتخابات است. بنابراین، انتخابات آزاد، عادلانه و معتبر، اتخاذ مکانیسم‌های کارآمد و شفاف حل اختلافات انتخاباتی را ضروری می‌سازد. تلاش برای حفاظت و ارتقای یکپارچگی انتخابات باید یک تعهد مستمر باشد. چارچوب‌های قانونی باید بازنگری شود تا اطمینان حاصل شود که:

فرصت واقعی برای رقابت عادلانه برای رقبای سیاسی وجود دارد. ادارات دخالت در امور انتخاباتی و دادگاه‌ها می‌توانند از راه حل مؤثر استفاده کنند. رقبای سیاسی می‌توانند به جای خشونت یا سایر اقدامات فراقانونی، به جبران حقوقی روی آورند و شهروندان اطمینان نمایند که عدالت انتخاباتی رعایت می‌شود. عدالت انتخاباتی، اگر به درستی انجام شود، می‌تواند نمایندگی و مشارکت گروه‌های اقلیت را تضمین کند و همچنین مشروعیت بیشتری را برای فرآیندهای انتخاباتی فراهم کند. همین امر نگارش مقاله حاضر را به یک ضرورت مبدل ساخته است.

در خصوص انتخابات، پژوهش‌ها متعددی انجام شده است. مصطفی منصوریان و حامد نیکونهاد (۱۳۹۶) در کتابی به بررسی نظام حقوقی حاکم بر انتخابات پرداخته‌اند. درباره عدالت انتخاباتی اما پژوهش‌های خیلی محدودی انجام شده است. غلامرضا سلیمی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای، مفهوم شناسی عدالت انتخاباتی با تأکید بر عدالت رویه‌ای را بررسی کرده است. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به سایر پژوهش‌های انجام شده این است که در این مقاله، جلوه‌های عدالت انتخاباتی در فقه و حقوق بررسی می‌شود. هدف مقاله بررسی این سؤال مهم است که جلوه‌های عدالت انتخاباتی از منظر فقه و حقوق کدام است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا جلوه‌های عدالت انتخاباتی در فقه بررسی شده و در ادامه، جلوه‌های عدالت انتخاباتی در حقوق مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد عدالت انتخاباتی در فقه اسلامی به معنای این است که همه افراد باید فرصت برابری برای شرکت در انتخابات داشته باشند و هیچ گروه یا فردی نباید از این حق محروم شود. از منظر فقهی، عدالت انتخاباتی به معنای رعایت اصول و مقررات شرعی در تمامی مراحل انتخابات از جمله تعیین واجدین شرایط، رأی‌گیری، شمارش آرا و اعلام نتایج است. این اصول و مقررات شامل مواردی مانند عدم تبعیض، احقاق حق حقوق شهروندی، امانت‌داری و شفافیت هستند. از منظر حقوقی نیز، عدالت انتخاباتی به معنای رعایت قوانین و مقررات قانونی کشور در فرآیند انتخابات است. این شامل مواردی مانند حق برابری در دسترسی به امکانات انتخاباتی، حق بیان آزادانه نظرات سیاسی، حقوق نامزدها و حقوق رأی‌دهندگان است.

۵. بحث

انتخابات در جوامع دینی و غیر دینی، به‌عنوان نوپدیده سیاسی، معیاری برای سنجش مقبولیت نظام سیاسی برشمرده می‌شود و در جامعه‌شناسی دینی نیز، یکی از نهادهای سیاسی- حقوقی برای انتخاب

اصلح دانسته شده است. بنابراین برخی از رویکردهای مفهومی انتخابات در آموزه‌های دینی، مبتنی بر شورا، بیعت، آزادی سیاسی، برابری، سیره عقلایی و شایسته سالاری است. افزون بر آن، انتخابات با رأی مردم، علاوه بر تحقق مقبولیت نظام سیاسی در پیشگاه مردم، نمود قدرت سیاسی نظام اسلامی در برابر دیدگان جامعه جهانی و دیگر نظامات سیاسی بین‌المللی است. از دیدگاه قانونی، در اصل ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مرتبط با انتخابات مجلس شورای اسلامی، آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکال آرای عمومی اداره شود. از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی، در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد». این بند، بیانگر حقوق سیاسی و قانونی برای آحاد مردم است. یکی از مباحث مهم انتخابات، عدالت انتخاباتی است. عدالت انتخاباتی مفهومی است که در سیاست کلی انتخابات به معنای واقعی رعایت کردن حقوق و تکالیف بازیگران در امر انتخابات است (سلیمی، ۱۳۹۶، ۶). در این مقاله تلاش شده با اتکا بر منابع اصیل دینی و سیاسی، با استناد بر آرای فقها، لزوم شرطیت عدالت و چگونگی احراز و اثبات آن نسبت به ارکان انتخابات را مورد بررسی قرار دهد.

۵-۱. جلوه‌های عدالت انتخاباتی در فقه

در این قسمت به بررسی جلوه‌های عدالت انتخاباتی در فقه پرداخته می‌شود.

۵-۱-۱. احراز عدالت داوطلبان، ناظران و مجریان

دارد (بهجت، ۱۳۷۷، ۴۸۴). در نتیجه، معیار، حُسن ظاهری می‌باشد که در میان مردم در طاعت‌ها و عبادت الهی شهرت داشته باشد و مردم از انصاف او سخن بگویند و همچنین حُسن ظاهر در اسلام با اتکا به روایت‌ها در صورتی حجت می‌باشد، که با ایمان باشد؛ چون امکان دارد شخص مسلم، فاسق باشد، ولی فرد مسلمان مؤمن، هرگز فاسق نخواهد بود و از طرف دیگر، ترک مندوبات و مستحبات هم باعث سقوط عدالت نمی‌باشد (بهجت، ۱۳۴۰، ج ۱، ۹۲).

اکنون این پرسش مطرح می‌باشد که ملاک تشخیص و تصدیق شخص تائب چگونه است؟ ایشان می‌گویند توبه چنانچه ثابت گردید، در صورتی که مورد پذیرش واقع شود، محمول بر درست و ترتب عواقب و نتایج می‌باشد؛ مگر با آگاهی به خلاف و تائب مانند غیر مذنب است... آنچه با آن توبه محقق باشد، اظهار پشیمانی بر ماضی و عدم عود به ذنب و خروج از حقوق مالیه و نحو آن‌ها به شکل قابل قبول که موقع وظیفه می‌باشد (بهجت، ۱۳۴۰، ج ۱، ۱۰۷).

لذا توجه به نکات فوق در احراز عدالت عناصر انتخابات دارای اهمیت می‌باشد. از ترکیب حُسن ظاهری و باطنی عدالت حقیقی را به وجود می‌آورد و بدون تردید همان‌طور که گفته شد، ظاهر و باطن بر همدیگر اثر می‌گذارند؛ چراکه اثر باطن بیشتر از ظاهر می‌باشد. اکثر علمای فقه معیار را حُسن ظاهر شخص مسلمان در عدالت قرار دادند؛ چون حُسن ظاهر می‌تواند خبر از حُسن باطن دهد و بیان‌کننده ضرورت شرط عدالت وصفی و فعلی برای کاندیدا و داوطلبین انتخابات می‌باشد. به طبع احراز به شخصیت حقیقی و باطنی اشخاص، بسیار دشوار و زمان‌بر می‌باشد، که مراجع تأییدکننده مکلف می‌باشند، تمامی سعی

برای احراز عدالت داوطلبان انتخابات، شهادات و مجریان، با اتکا بر نظریه مراجع و علمای فقه در مورد احراز شرط عدالت شهود طلاق و سایر موارد، اساس حُسن ظاهری می‌باشد، چون ضد حُسن ظاهری، باطنی است و هیچ فردی از آن اطلاع ندارد، مگر خدا و خداوند وظیفه لایطاق، بر موظف قرار نداده است (حلی، ۱۳۸۷، ج ۳، ۳۱۴؛ جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳، ۱۱۳؛ نجفی، ۱۳۶۷، ج ۱۳، ۲۸۰). البته این مطلب جای فکر دارد؛ چون چنانچه عدالت را با توجه بر عقیده بعضی از دانشمندان و علمای فقه ملکه بدانیم و حُسن ظاهر، کاشف از ملکه باشد، دیگر نمی‌توان حُسن ظاهری را ضد باطنی از عقیده فقهی بیان کرد. در مبحث‌های لغوی امکان دارد نقطه روبروی ظاهر، باطن باشد؛ ولی در مبحث‌های اخلاقی، گفتاری و سخنی و فقهی، ظاهر و باطن مکمل هم می‌باشند. به همین دلیل، چنانچه با توجه بر رأی‌های علمای فقه که در ادامه بیان می‌شود حُسن ظاهر را معیار قرار دادند، بدین خاطر که ظاهر شخص از فضایل اخلاقی باطنی شخص اثر گرفته است و می‌تواند ملاکی برای احراز عدالت شخص باشد.

از فقهای متأخر «بهجت» اعتقاد دارد: «عدالت، ملکه می‌باشد و حُسن ظاهر، کاشف از ملکه است و حُسن ظاهر مفید ظن، به طور نوعی و طبعی کافی می‌باشد؛ یعنی احوط اعتبار ظن اطمینانی به عدالت می‌باشد که عبارت از ملکه باعثه بر پرهیز از گناهان کبیره و از پافشاری بر گناهان صغیره می‌باشد یا پرهیزهایی که از ملکه باعثه بر تقوا صادر باشد، در احکام شرعیه عدالت» (بهجت، ۱۳۴۰، ج ۱، ۲۳). از دیدگاه ایشان، عادل شخصی است که ملکه عدالت

را پیشه کنید»، «إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ به راستی، خدا آگاه است به آنچه عمل می کنید»

در توضیح دلیل نزول آیه، در بعضی از کتاب‌های تفسیری و تحلیلی فقهی با کمی تضاد، از قول عبدالله بن کثیر گفته شده که این آیه در مورد یهود نازل گردیده است زمانی که رسول خدا(ص) به سمت قلعه و دیوار بنی قریظه رفت که به آن‌ها دیه پرداخت نماید؛ ولی یهودیان تلاش می نمودند که پیامبر را به قتل برسانند. جبرائیل آمد به پیامبر(ص) خبر داد و پیامبر(ص) نیز از آنجا به طرف مدینه مهاجرت نمودند(محمدی و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۳). خداوند به پیامبر(ص) امر فرمود که تحمل نماید آنچه را که آن‌ها بر علیه ایشان صورت دادند، تا مبادا در امر قضا از راه حق خارج گردند(زحیلی، ۱۴۲۲، ج ۱، ۱۷؛ سائیس، ۱۴۲۳، ۳۶۵؛ داورپناه، ۱۳۷۵، ج ۳، ۱۲۰؛ حسینی جرجانی، ۱۴۰۴، ۳۳۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۶، ۲۸۶).

بنا به آنچه گفته شد دلیل نزول آیه در خصوص مواجهه پیامبر(ص) در برابر با قوم یهودی می‌باشد که به دلیل قضاوت نامصفانه، علیه پیامبر(ص) توطئه نمودند و تصمیم به قتل ایشان گرفتند.

خطاب سخن الهی به افرادی اشاره می‌نماید که در آن هنگام به رسالت پیامبر اکرم(ص) ایمان آورده‌اند. در عین حال، وظیفه برای همه افراد موظف در کلیه عصرها و ازمینه، در برابر کفار به دلیل کفر آن‌ها می‌باشد غیر ممکن بتوانند به اوامر و نواهی الهی قیام کنند. از طرف دیگر، این بیان می‌تواند یادآوری به بعد اعتقادی باشد، که بیان‌کننده باور و نظر به شریعت دین مبین اسلام، باعث تقید دینی و تکلیفی می‌باشد.

خود را برای احراز عدالت وصفی و فعلی انجام دهند. از طرف دیگر، انتخاب‌کنندگان افزون بر اتکا به تأییدیه مراجع ذی صلاح، در احراز عدالت داوطلبین و انتخاب منصفانه اصلح، باید به حسن ظاهری و اشتهار عرفیه که بیان‌کننده التزام عملی به احکام تکلیفی الهی بوده و وفاداری به مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی بر مبنای فقه سیاسی می‌باشد، در گزینش فرد اصلح به دور از مسائل حاشیه‌ای توجه داشته باشند.

۵-۱-۲. لزوم رعایت عدالت توسط انتخاب‌کنندگان

حضور در انتخابات از لحاظ حکم وظیفه شرعی، واجب عینی می‌باشد و کسانی که دارای شرایط می‌باشند و موظف در رقابت انتخاباتی، برای انتخاب اصلح حضور پیدا می‌نمایند. مشروعیت گزینش فرد اصلح و کمبود مشروعیت گزینش فرد صالح مورد قبول، رابطه تنگاتنگی با کارآمدی منتخبین دارد. انتخاب‌کنندگان برای گزینش فرد اصلح به غیر از پژوهش و نقد و بررسی برای احراز شرایط داوطلبین، به اتکا ادله قرآنی موظف می‌باشند، انتخاب و قضاوت منصفانه داشته باشند.

خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛ ای کسانی که ایمان آوردید»، «كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ؛ باشید از قیام‌کنندگان برای خدا»، «شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ؛ گواهان بر قسط و داد»، «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ لَا تَعْدِلُوا؛ مجبور نکند شما را کینه‌جویی که عدالت نورزید»، «اعْدِلُوا؛ عدالت بورزید»، «هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ؛ آن به تقوا نزدیک‌تر است»، «وَاتَّقُوا اللَّهَ؛ تقوای خدا

طرف خدا، تصریح بر پیشه نمودن تقوای الهی و مراعات عدالت به صورت مطلق می‌باشد؛ چون خدا از تمام اعمال شما مطلع می‌باشد». آیه بالا بیان‌کننده عدالت فعلی افراد واجد شرایط و اشخاص موظف شرکت‌کننده در انتخابات می‌باشد.

۵-۱-۳. امانت‌داری ناظران و مجریان انتخابات

همه اعضای شعب ثبت نام و اخذ رأی و مجریان و ناظران و هیئت‌های اجرایی و نظارت موظفند در صورت اطلاع از ارتکاب هر یک از جرایم موضوع این قانون مورد را به نماینده فرماندار یا هیأت نظارت مربوطه و مرجع قضایی ذیصلاح اطلاع دهند، موضوع باید بلافاصله توسط دادستان حوزه مربوطه رسیدگی شود. به موجب ماده ۶۳ طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس عدم انجام تکلیف مورد اشاره، از سوی اشخاص فوق جرم است و مرتکب به مجازات حبس یا جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه ۶ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود. طبق تبصره ماده مذکور، چنانچه وقوع این جرائم موجب شود که جریان انتخابات در یک یا چند شعبه ثبت نام و اخذ رأی از مسیر قانونی خود خارج شود و در نتیجه کلی انتخابات مؤثر باشد مراتب توسط هیئت مرکزی نظارت به شورای نگهبان اعلام می‌شود.

از لحاظ فقهی باید گفت که «علی الید» معروف و رایج به قاعده ضمان ید، به صورت مطلق ضمان آور و یکی از دلایل آن «ید» می‌باشد. این کلام به اتکا حدیث رسول اکرم (ص) می‌باشد که فرمودند: «بر دست است آنچه را که گرفته تا هنگامی که بازگرداند» از طرف دیگر، مضاف شدن واژه علی در «الید»، بنا به سیاق سخن و کاربرد آن، بیان‌کننده آن می‌باشد که فرد نسبت به آنچه در اختیار دارد، تا

در ادامه، آیه به سه نکته مهم اشاره می‌نماید که به بعد عملی ایمان آورندگان برمی‌گردد و در صورت عمل به آن، در مسیر رستگاری و خوشبختی واقع شوند: نخست، برای خدا قیام کنید و «قوامین»، صیغه مبالغه از قیام، قیام زیاد برای خدا و تلاش زیاد در راه خدا، امر به معروف و نهی از منکر و تصدیق حق و رد باطل و... می‌باشد و قصد در عمل و فعل را بیان می‌کند؛ یعنی کاری، حسنه و مورد پذیرش خداست که «لله» (برای نزدیکی به طرف خدا) و «فلله» (در راه رسیدن به خدا) باشد. دوم، شاهدان و گواهان به قسط و عدل و داد باشید؛ یعنی مبنای شهادت شما بر مقدار عدالت الهی باشد و به آنچه حقیقت دارد، شهادت و گواهی دهید. سوم، دشمنی و کینه دشمنان بر نفس شما غالب نگردد؛ چون دلایل انحراف از عدالت می‌باشد و باعث ظلم و ستم به سایرین و حتی افرادی می‌شود که با شما دشمن بودند؛ این برخلاف سنت الهی، روش و سنت پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) می‌باشد. در بیان دیگر، خداوند با تصریح بیشتر می‌گوید: «عدالت بورزید» این تقاضای مؤکد الهی می‌باشد که گویا در نظر دارد بگوید در این وضعیت، اگرچه خیلی مشکل و دشوار می‌باشد، برخلاف تقاضا و تمایل نفسانی عمل نمودن، ولی باید برابر فرمان الهی عمل کرد. امر به عدل، شامل تمام انسان‌ها است و تفاوتی میان غنی و فقیر، دانشمند و نادان، مسلمان و غیر مسلمان، بزرگ و کوچک وجود ندارد و همگی باید پیرو امر الهی باشند.

در ادامه خداوند می‌فرماید: «از وسوسه‌های نفسانی و شیطانی اجتناب و پرهیز نمایید که ناشی از رذایل اخلاقی می‌باشد و خدا را شاهد و نظاره‌گر اعمال ظاهری و باطنی خود ببینید. این کلام، تهدیدی از

صورت گیرد که بحمدالله تا حالا نیز به همین طریق بوده است (دفتر حفظ و نشر آثار خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۲۰).

۴-۱-۵. عدالت در شرایط داوطلبان انتخابات

در مقررات گوناگون انتخاباتی ایران، شرایطی برای صلاحیت‌های دینی و اخلاقی داوطلبان پیش‌بینی گردیده که ذهنی، کیفی و مخفی بودن آن‌ها معضلات عملی بسیاری را در دستیابی به این شرایط بوجود آورده است. شورای نگهبان با اتکا به جمله موجود در متن سوگندنامه نمایندگان، افراد امین و عادل را برای نمایندگی دارای توانایی و اهلیت دانسته و ورود اشخاصی که این شرایط را ندارند مغایر اصل بیان‌شده محسوب نموده است (موسی‌زاده، ۱۳۹۰، ۳۰۰)؛ ولی شرط عدالت در قانون اساسی فقط برای متصدیان برخی از منصب‌ها بیان گردیده است. در اصل ۱۱۵، با آنکه مقنن نسبت به وضعیت رئیس جمهور در جایگاه بیان بوده است، شرط انصاف را قید ننموده است؛ به همین دلیل به نظر می‌رسد در جایگاه تفسیر و تحلیل نمی‌توان این شرط را به شرایط داوطلبان ریاست جمهوری اضافه نمود.

بنابراین بنا به موقعیت و مقدار اختیارات، به روش نخستین این نوع شرطی برای نمایندگان مجلس - که البته بیان شرایط آن به قانون عادی محول شده - وجود ندارد؛ لذا به نظر می‌رسد نمی‌توان وضعیت منصب‌های انتخابی را تا مرحله برخورداری از انصاف گسترش داد.

متن سوگند نمایندگان مجلس که در اصل ۶۷ آورده شده هم نشان‌دهنده لزوم شرط انصاف برای این اشخاص نیست. چون «سوگند التزامی» (کاتوزیان،

هنگامی که در اختیار اوست، متعهد و مسئول می‌باشد (طوسی، ۱۴۰۷؛ هندی، ۱۴۱۹، ج ۱، ۳۲۷؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ۷۹؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵، ۸۳).

همین‌طور، مضاف شدن واژه عدل در «علی‌ید العدل» عدل، معرفه به «ال» یا غیر آن، بنا به سیاق سخن و کاربرد آن در مبحث‌های گوناگون فقهی، اطلاق شرط عدل بر شخص بیان‌کننده فرد امین می‌باشد (حلی، ۱۳۸۷، ج ۳، ۲۲؛ علامه حلی، ۱۴۰۶، ج ۳، ۱۱۲). لذا، مطابقت دادن قاعده‌های فقهی ضمان ید و استیمان، بر انتخابات، بیان‌کننده آن می‌باشد که رأی‌های مردم که در اختیار برگزارکنندگان می‌باشد، از انواع ید مآذونه‌ای محسوب می‌شود که هر نوع تعدی و تفریط برگزارکنندگان ضمان‌آور می‌باشد. پس، بایستی در نگهداری و مراقبت از رأی‌های مردم از حیث امنیتی و قانونی بسیار تلاش نمایند (موسوی - بجنوردی، ۱۴۱۹، ۲؛ عباسی سرمدی؛ مشایخ، ۱۳۹۵، ۴).

در دیدار دست‌اندرکاران برگزارکنندگان انتخابات با مقام معظم رهبری، ایشان در بیانات خود، آن‌ها را امانت‌داران امانت بزرگ و ارزشمند ملی و اسلامی مورد خطاب قرار دادند و فرمودند: «این پیشنهاد من به شما مسئولان محترم انتخابات نیز هست: قانون را معیار قرار دهید. «ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها» (نساء/ ۱۳) ادای امانت به همین است که بر اساس مَرّ قانون عمل گردد هم در مرحله تشخیص توانایی‌ها چه در خصوص ریاست جمهوری؛ چه در خصوص شوراها و در موارد دیگری که در پیش است هم در مرحله خواندن رأی‌ها، نیز در مرحله حفظ رأی‌ها و صندوق‌ها (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۵). باید مَرّ قانون مراعات گردد و نهایت امانت داری

۱۳۹۵، ۱۸۴) که بیان‌کننده الزام شخص به انجام تکلیف یا اقدام مشخصی به بهترین نوع می‌باشد، نظاره‌گر آینده می‌باشد. بر این مبنا، استخراج وضعیتی از آنکه مربوط به گذشته شخص می‌باشد معنا ندارد.

این موارد نباید با امکان نبودن سوگند به خداوند متعال و در پیشگاه قرآن برای اشخاص کافر خلط گردد، به طوری که شورای نگهبان بر این مبنا در میان دوره ای مجلس نخست، دیدگاه تحلیلی و تفسیری (موسی‌زاده، ۱۳۹۰، ۳۰۱) صادر نمود تا اشخاص مارکسیست وارد مجلس نشوند. چون درستی سوگند متوقف بر اصل اعتقاد و باور می‌باشد؛ ولی این‌گونه اشخاص به اعتقاد نداشتن معروف بودند و از اهل کتاب نیز نبودند تا به کتب آسمانی خود سوگند بخورند. شورا در دوره‌های بعد، از همین اصل در سال ۱۳۸۱ برای رد لایحه تصحیح قانون انتخابات مجلس استفاده نمود و شرط انصاف و امانت را برای نماینده مجلس لازم و ضروری دانست به نظر می‌رسد شرایط انتخاب‌شونده و تکالیف آینده منتخب بر طبق سوگند و الزام‌های حاصل از آن، دو امر مختلف می‌باشد. در صورت التزام به طریق تفسیری و تحلیلی شورای نگهبان از اصول قانون اساسی در خصوص داوطلبان انتخابات باید بند ۲ اصل ۹۱ را هم که فقط اسلام را برای دانشمندان حقوق شورا کافی دانسته، باعث تجویز ورود دانشمندان حقوق مسلمان ولیکن فاسقی به این شورا دانست که موکلف می‌باشند در رابطه با التزام یا عدم التزام به اسلام داوطلبان و سایر شرایط معین شده در قانون اعلام رای و عقیده نمایند؛ اما از نگاه فقه که مستند اصلی شورای نگهبان می‌باشد، آیا می‌توان برای قول فاسق

آن هم در مورد التزام به اسلام فرد دیگر اعتباری قائل شد؟! در ارتباط با مفهوم انصاف عقاید گوناگونی در فقه شیعه به شرح زیر بیان شده است:

- ملکه نفسانی که موجب ملازمت با تقوا و جوانمردی می‌شود (انصاری، ۱۴۱۴، ۲۷-۲۴؛ خمینی، ۱۳۷۹، ۱۰)؛

- اعمال خارجی و بیرونی حاصل از ملکه نفسانی (پایداری عملی در مسیر شریعت مستند به ملکه) (شیخ صدوق، ۱۴۱۸، ج ۱، ۵۲؛ انصاری، ۱۴۱۴، ۷ و ...)؛

- نفس اعمال خارجی و بیرونی بدون رابطه با ملکه پایداری عملی در مسیر شریعت اسلام به همراه عدم ظهور فسق (اصاله العداله)؛

- حسن ظاهر؛ چون فرصت نقد و بررسی تفصیلی این دیدگاه‌ها نداریم، به شرح مختصری در مورد نگرش چهارم بسنده می‌نماییم. بعضی از علمای فقه شیعه به اصالت عدالت در مسلمان قائل بوده و برای ثابت نمودن انصاف اعتقاد به کفایت اسلام در صورت عدم ظهور فسق می‌باشند (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۷۲۵)

مطابق این نظریه، اسلام ملکه‌ای می‌باشد که مانع صاحب خود از فسق می‌گردد. به بیانی دیگر، ظاهر حال مسلمان بیان‌کننده عدالت و التزام به انجام واجبات و ترک محرمات شرعی می‌باشد و اصل، عدم فسق می‌باشد. در علم رجال هم در بین متأخران اصطلاح «مُهمَل» و «مجهول» به جای هم استفاده می‌شوند و مجهول در معنایی اعم کاربرد دارد. در صورتی که پیش قدا این دو دارای مرزبندی معینی بوده و مهمَل نظیر ممدوح مورد عمل بوده است. به همین دلیل ابن داود رجال خود را به دو

قسمت ممدوحین و مهملین، مجروحین و مجهولین طبقه‌بندی کرده است (حلی، ۱۳۹۲، ۲۲۵).

نظریه‌ای که عدالت را مفهومی یکسان تصور نمی‌کند، عاقلانه‌تر به نظر می‌رسد. اگر از عدالت مورد احتیاج برای داوطلبان انتخابات (بر فرض ضرورت وجود این شرط) بنا به تکالیف و مسئولیت‌های آنان تعریف ویژه‌ای بیان گردد و از تعریف معضل آفرین ترک گناهان کبیره و اصرار نورزیدن بر گناهان صغیره دست کشیده شود قسمتی از معضلات و گرفتاری‌ها حل خواهد شد. چون موقعیت‌هایی مانند ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس در صدر اسلام وجود نداشته است (ولایی؛ نوبهار، ۱۴۰۰، ۱۱). این نوع مقام‌ها حتی در صورت شباهت با برخی منصب‌ها و مقام‌های صدر اسلام هم بنا به وجود فرق و اختلاف، به تعریف تازه احتیاج دارند. شاید در مسائل عبادی، این نوع تعریف از عدالت، موجه باشد؛ ولی در مسائل اجتماعی به غیر از سختی یا سرپیچی احراز، موجب کم‌شدن قابل لمس کارآمدی می‌گردد؛ چون این نوع شرایط رابطه‌ای با مهارت مورد احتیاج نخواهد داشت و فقط باعث عدم بهره‌مندی از بعضی متخصصان می‌گردد. به بیان دیگر در خصوص وضعیت ذهنی و کیفی که احراز آن سخت یا ممتنع یا امکان اشتباه در آن زیاد است، تغییر اصل شرط یا مفهوم آن یا طریقه تحلیل و دست‌یابی آن‌ها لازم به نظر می‌رسد. در نتیجه نمی‌توان در مقابل آن‌ها نگرشی مانند شرایط عینی و کمی اتخاذ نمود و در ثابت نمودن و دست‌یابی شرایط بیان‌شده سخت‌گیری کرد.

در صورت استماع شهادت در پروسه احراز شایستگی و اهلیت، داوطلبی که صلاحیت و قابلیت او از طریق شهادت رد می‌گردد، باید حق جرح شاهد را داشته

باشد. لذا باید شخصی را که کلام او در تحقیقات، مستند رد صلاحیت واقع شده بشناسد تا بتواند از راه خدشه در اعتبار شهادت او حق خود را استیفا نماید. آیا این‌گونه حقی برای فرد رد صلاحیت‌شده به رسمیت شناخته می‌گردد؟

- نقش تلقی شورای نگهبان از منصب به مثابه امانت در داوری درباره شرایط داوطلبان؛

- امانت به سه نوع مالکی (قراردادی)، قانونی (شرعی) و قضایی طبقه‌بندی می‌گردد؛

- امانت نوع نخست همه عقود امانی مثل ودیعه و عاریه را شامل می‌شود؛

- امانت نوع دوم نظیر ولی قهری و ملتقط؛

- امانت نوع سوم از نوع قی می‌باشد.

در امانت نوع دوم که نظاره‌گر رعایت غبطه و مصلحت شخص به شکل نوعی می‌باشد قانون به تبعیت از عقیده معروف علمای فقه مشهور (انصاری، ۱۴۱۵، ۵۳۵)؛ کنترل پسینی را لحاظ نموده است؛ اما شرط عدالت را ضروری ندانسته است (خمینی، ۱۳۷۹، ۱۳). ولی در امانت نوع سوم شرایطی را برای قیم پیش‌بینی کرده است (ماده ۱۲۳۱ ق.م) تا از مراعات نمودن مصلحت اطمینان یابد برعکس در امانت نوع نخست که دارای هیچ شرط اضافه‌ای نیست؛ تنها انعقاد قرارداد موجب امین دانستن شخص می‌گردد و تا زمانی که تعدی یا تفریط ثابت نشده، ید او امانی می‌باشد. حتی ادعای عدم امانت او بوسیله مودع، معیر یا... هم به این خاطر که با امین دانستن نخستین منافات دارد، مورد قبول نمی‌شود (لیس علی الامین الا الیمین). تضاد و تعارضی که در فقه شیعه

در این مبحث شرایط انتخاب‌کنندگان، شرایط انتخاب‌شوندگان و اجرای انتخابات بررسی شده است.

۵-۲-۱. شرایط انتخاب‌کنندگان

در سیستم انتخاباتی ایران سه شرط برای انتخاب‌کنندگان در نظر گرفته شده است.

الف) داشتن تابعیت ایرانی

در خصوص تابعیت با عنایت به این که در ماده ۲۵ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، قید تابعیت به شکل عام استفاده شده است. لذا تابعیت اعم از این که اصلی باشد یا اکتسابی پذیرفته می‌شود و در هر دو حالت شخص حق رأی دادن دارد. البته وجود شناسنامه معتبر، از شرایط تثبیت‌شده تابعیت افراد که دارای تابعیت اکتسابی و تبعی می‌باشند حکایت می‌کند. «پیش‌بینی این شرط با این فکر استدلال می‌گردد که حاکمیت ملی از چهارچوب‌های سرزمینی و جمعیتی مشخصی برخوردار می‌باشد هدف از مطرح کردن شرط تابعیت هم پاسداری و مراقبت از بافت جمعیتی یک کشور می‌باشد» (گرجی، ۱۳۸۹، ۳۴۵).

ب) ورود به سن ۱۸ سالگی

در سیستم حقوقی ایران سن ۱۸ سال تمام شمسی به عنوان سن اهلیت سیاسی اعلام گردیده (ماده ۲۷ قانون انتخابات مجلس). لذا شخص در این سن می‌تواند در مورد امر سیاسی تصمیم‌گیری نماید که یکی از نمودهای آن شرکت در انتخابات می‌باشد.

پایین یا بالا بودن سن بلوغ انتخاباتی هم نظیر بلوغ مدنی و کیفری، پیروی است از وضعیت مختلف جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... لذا

در خصوص شرط عدالت وصی وجود دارد هم حاصل از این می‌باشد که آیا وصی ملحق به امین مالکی است یا امین شرعی (خمینی، ۱۳۷۹، ۱۰۲). به بیانی دیگر، زمانی که قاضی موکلف به نصب قیم یا ضم امین می‌باشد، باید شخصی موثق و مورد اطمینان را منصوب نماید؛ اما چنانچه امانت مالکی بود (نه قضایی)، امین به معنای غیر غاصب و غیر ضامن است و گزینش او فقط وابسته به اراده شخص بوده و صالح بودن فرد امین ضرورتی ندارد. به همین خاطر علمای فقه در عقود مانند ودیعه، عاریه، وکالت، رهن، مضاربه، اجاره و شرکت شرط عدالت را لازم ندانسته‌اند؛ ولی در موردی مثل اذان، مستحب می‌دانند که حاکم شخص عادل را به عنوان مؤذن منصوب نماید (بحرانی، ۱۴۱۰، ۳۳۶).

مراغی در صورت نبودن علت بر اشتراط عدالت، اصله الاطلاق را نسبت به وظایف، ضمانات، عقود و عبادت‌ها بلامعارض می‌داند و ضابطه‌ای را در مورد موارد اشتراط عدالت بیان می‌نماید: قول یا فعل فرد، مسقط [وظیفه] از دیگری یا دلیل بر دیگری باشد؛ امین مال یا حق دیگری بدون عقیده مالک باشد (دست او مسلط بر مال دیگری بدون اجازه مالک باشد) (ولایی؛ نوبهار، ۱۴۰۰، ۱۵). از جمله دلیل‌های مراغی در رد تشابه وکالت با نیابت در عبادت‌ها و در نتیجه عدم تسری شرط عدالت از دومی به اولی، اصل درستی در فعل مسلمان برای ثابت نمودن درستی فعل وکیل می‌باشد که در نیابت ممکن نمی‌باشد. زیرا نائب، فعلی را به نیابت از غیر انجام می‌دهد و جریان اصله الصحه در فعل مسلمانی به جای مسلمان دیگر میسر نمی‌باشد.

۵-۲. جلوه‌های عدالت انتخاباتی در حقوق

ایران فقط داشتن تابعیت خواه ذاتی یا اکتسابی را برای واجد شرایط بودن کافی دانسته است؛ اما در فرانسه در صورت بدست آوردن تابعیت باید ۵ سال از مهلت بدست آوردن تابعیت طی شده باشد تا شخص دارای شرایط لازم باشد. از این نظر نظام حقوقی فرانسه توجه و راهکار بیشتری منظور کرده است

۵-۲-۲. شرایط انتخاب‌شوندگان

اغلب کشورها شرایط ویژه‌ای را برای انتخاب‌شوندگان پیش‌بینی نموده‌اند. در ایران هم شرایطی معین گردیده است از قبیل اینکه انتخاب‌شوندگان باید دارای تابعیت اصلی ایرانی، نه تابعیت اکتسابی (مستنبط از ماده ۹۸۲ قانون مدنی) معتقد و ملتزم عملی به اسلام و سیستم جمهوری اسلامی (البته داوطلبان نمایندگی اقلیت‌های دینی در قانون اساسی از التزام عملی به اسلام مستثنی بوده و در دین خود ثابت العقیده می‌باشند)، پایداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه، سوءشهرت نداشتن در حوزه انتخابیه و از سلامت جسمی در حد دارا بودن نعمت شنوایی، بینایی، و گویایی برخوردار باشد و سن او بین ۳۰ تا ۷۵ سال باشد (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۲، ۹۰).

با دقت در این شرایط هم مشاهده می‌شود که این شرایط هم کامل نبوده و کمبودها و ابهاماتی دارد. از قبیل اینکه شرط توطن و تولد در محل پیش‌بینی نشده است. بنا به اینکه محلی بودن نامزدها قابلیت شناخت و رابطه بهتر میان انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان را به وجود می‌آورد، لازم بود تا این شرط در قانون پیش‌بینی گردد. همین‌طور در جایی که قانون‌گذار برای انتخاب‌کنندگان شرط عاقل بودن را

مصلحت سنجی در این رابطه در حیطه تصمیم‌گیری‌های سیاسی واقع می‌شود (گرجی، ۱۳۸۹، ۳۴۵). به نظر می‌رسد دادن حق رأی برای اشخاص زیر ۱۸ سال منطقی نیست. چون مشخص کردن حق سرنوشت، یکی از تصمیم‌گیری‌های مهم است که احتیاج به بلوغ کامل دارد. لذا اقدام مقنن در سال ۱۳۸۵ مبنی بر زیاد نمودن سن بلوغ انتخاباتی از ۱۶ به ۱۸ قابل تحسین به نظر می‌رسد.

ج) عاقل بودن (عدم ابتلا به جنون)

می‌دانیم که جنون به دو گروه ادواری و دائمی طبقه‌بندی می‌شود. آنچه که در این جا مورد نظر می‌باشد جنون به شکل کلی می‌باشد. به صورت کلی شخصی که به جهت عرفی مبتلا به جنون شناخته شود، نمی‌تواند رأی دهد (بزرگمهری، ۱۳۸۵، ۱۸۲). البته این شرط هم پیچیدگی‌هایی دارد. از جمله این پیچیدگی‌ها این است که چگونه می‌توان عاقل بودن انتخاب‌کنندگان را احراز نمود؟ آیا فقط داشتن مدارک عمومی و ظاهری موجه و قابل قبول برای تشخیص این شرط کافی است یا خیر؟ با وجود این - گونه پیچیدگی‌ها و ابهام‌های جدی هنوز جوابی از جانب مجریان انتخاباتی داده نشده است.

از جهت برخوردای از حقوق مدنی و سیاسی، اتباع فرانسه از زمان به دست آوردن تابعیت، دارای کلیه حقوق مربوط به تابعیت می‌باشند و متعهد به انجام همه وظایف مربوط به آن می‌باشند؛ اما برای برخورداری از حق رأی باید مدت ۵ سال از زمان کسب تابعیت طی شده باشد (بزرگمهری، ۱۳۸۶، ۵).

تعارضی که در رابطه با شرایط انتخاب‌کنندگان میان نظام ما و کشور فرانسه وجود دارد، این است که در

نکته بسیار مهم گستردگی حوزه های انتخابیه می باشد. «مقصود از گستردگی حوزه های انتخابیه تعداد نمایندگان هر حوزه و یا در حقیقت تعداد کرسی های اختصاص یافته در هر حوزه می باشد» (خرمشاد؛ رفیعی، ۱۳۹۲، ۴۴).

نحوه حوزه بندی انتخاباتی به مقدار تراکم جمعیت و سیستم انتخاباتی و همین طور تعداد کرسی های پارلمان بستگی دارد. «در بعضی کشورها مقررات اساسی مشخص می کنند که هر نماینده باید منتخب از طرف چه جمعیتی باشد؛ اما در برخی دیگر از کشورها که قانون اساسی در این حیطه ساکت بوده و مقررات عادی و انتخاباتی این موضوع را مشخص می نماید» (قاضی، ۱۳۸۶، ۳۱۵).

همین طور شمار حوزه ها هم به تعداد کل جمعیت کشور و هم به نحوه انتخابات بستگی دارد. چنانچه هر حوزه انتخابیه تنها یک نماینده داشته باشد (تک-گزینه)، شمار حوزه ها بیشتر می شود؛ ولی چنانچه در هر حوزه بتوان چند نماینده را انتخاب نمود، تعداد حوزه ها کمتر می شود.

نکته بسیار مهم این است که حوزه های انتخاباتی، نه از نظر تعداد، نه از جهت ابعاد و نه از لحاظ جمعیت ثابت نمی باشد؛ چون جمعیت هر کشور ثابت نیست؛ بلکه به طور مداوم در حال تغییر می باشد. بنابراین برای رعایت عدالت نیاز می باشد که در فاصله های زمانی معلوم بنا به تغییرهای جمعیتی در این حوزه-بندی ها تجدید نظر شود (توسلی رکن آبادی؛ شعبان شمیرانی، ۱۳۹۲، ۷۹).

دسته بندی کشور به حوزه های انتخابیه فایده و نتایج مثبتی را به دنبال دارد. نخست اینکه میان رأی-

منظور کرده است، بنا به وظایف مهم نمایندگی، به روش اولی ضروری بود تا برای انتخاب شوندگان هم چنین شرطی را منظور کند.

الف) اجرای انتخابات

«از زاویه رویکرد اجرایی، انتخابات مشتمل بر مجموعه عملیاتی می باشد که یا در مقررات و یا در آئین نامه های اجرایی، به نحوی پیش بینی شده است که کار رأی گیری، خواندن رأی ها و اعلام نتیجه، در کمال صحت و سلامت و آزادی سازگار با هدف های انتخابات به سامان شود» (قاضی، ۱۳۸۶، ۳۱۴).

نحوه اجرای هر انتخابات، از کشوری به کشور دیگر برحسب قواعد و مقررات، سیستم های انتخاباتی (اکثریتی یا تناسبی)، نحوه مشخص نمودن هیئت انتخابیه و همین طور نظام احزاب با هم فرق دارد.

در این تحقیق بنا به سیستم انتخابات کشور ما در حیطه تحقق انتخابات دو موضوع حوزه های انتخابیه و رأی گیری و اعلام نتیجه دارای اهمیت خاصی می باشند که در ادامه در مورد آنها صحبت می کنیم.

ب) حوزه بندی انتخاباتی

اولین قدم به جهت آماده سازی کار اجرای انتخابات، دسته بندی سرزمین و جمعیت کل کشور به حوزه های انتخاباتی می باشد که باعث به وجود آمدن تناسب منفصانه میان اعضای نمایندگان و جمعیت هر حوزه انتخابیه است. حوزه بندی درست کشور در انتخابات موجب می گردد مجلس آئینه تمام نمای افکار عمومی شهروندان یا حداقل نزدیک به تصویر اراده عام جلوه دهد (قاضی، ۱۳۸۶، ۳۱۵).

علت هجوم رأی‌دهندگان در ساعت مشخص شده نتوان رأی‌گیری را انجام داد، برحسب تجویز قانون می‌توان مدت زمان درخواست‌شده بر ساعات رأی‌گیر اضافه نمود(هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۲، ۹۵). بعد از پایان رأی‌گیری کار خواندن رأی‌های شروع می‌شود. برابر قواعد و مقررات خواندن رأی‌ها تا وصول به نتیجه نهایی باید در مدت زمان مشخص محدود صورت گیرد.

از حیث حقوق تا زمانی که جریان اخذ رأی، شمارش و اعلام نتیجه از طرف شهروندان، احزاب و مقامات شایسته و درست مورد اعتراض واقع نشده باشد، فرض بر درستی و سلامت انتخابات است. البته اعلام نتیجه بلافاصله حتمی نمی‌باشد. زیرا رأی‌دهندگان یا کاندیداهای شکست خورده همیشه حق دارند تا نسبت به انتخابات اعتراض کنند. رسیدگی به اعتراض یا شکایت باعث تصدیق یا رد انتخابات و یا ابطال آن می‌شود که در صورت ابطال انتخابات، باید انتخابات از سر گرفته شود(علوی، ۱۳۹۳، ۱۹).

۶. نتیجه

با توجه به آنچه بیان شد از دیدگاه فقه سیاسی، مفهوم «عدالت» در احکام فقهی انتخابات دارای کاربرد و تأثیر به‌سزایی است و زیربنای ساختاری انتخابات است. به استناد احکام فقهی و قانونی، لزوم شرط عدالت برای انتخابات، بر دو رکن اصلی مطرح است: الف. کاندیداها و داوطلبان؛ ب. ناظران و مجریان(مجلس خبرگان، شورای نگهبان و قوای مجریه و مقننه). در نگاه کلی و طبق مواد قانونی، شورای نگهبان تأیید صلاحیت عمومی داوطلبان و کاندیدای انتخاباتی را بر عهده دارد که از طریق استعلام از دوایر و مراکز مربوط و تحقیقات محلی و

دهندگان و انتخاب‌شوندگان(نامزدهای انتخاباتی)، نزدیکی بیشتری به وجود می‌آید و هر شهروند بهتر می‌تواند شیوه سیاسی و شخصیت نامزدها را بشناسد(توسلی رکن‌آبادی؛ شعبان شمیرانی، ۱۳۹۲، ۷۹). به غیر از این بعد از گزینش نماینده هم رفتار سیاسی او به وسیله مردم به شکل مناسب‌تری قابل کنترل و بازبینی می‌باشد(علوی، ۱۳۹۳، ۱۷).

همین‌طور با نحوه حوزه‌بندی می‌توان از بعضی از تقلبات انتخاباتی پیش‌گیری نمود چون در این روش با فراهم نمودن لیست کاملی از افرادی که برابر قانون حق رأی دارند، بهتر می‌توان به ارزش‌یابی و ارزیابی نسبتاً صحیحی از جامعه رأی‌دهنده دست پیدا نمود بنابراین از جابه‌جایی بی‌رویه رأی‌دهندگان و بعضی از تقلبات انتخاباتی پیش‌گیری می‌گردد(قاضی، ۱۳۸۶، ۳۱۶).

نکته بسیار مهم در حوزه‌بندی صحیح و دقیق این است که مسئولان باید با بی‌طرفی کامل عمل نموده و ملاحظات سیاسی و حزبی را کنار بگذارند.

ج) رأی‌گیری و اعلام نتایج انتخابات

یکی از مراحل بسیار مهم انتخابات کار رأی‌گیری از طرف مسئولان اجرای انتخابات می‌باشد. جایگاه‌های رأی‌گیری هم باید به شکلی آماده گردد تا رأی‌دهندگان به‌خصوص سال‌خوردگان و افراد مریض به سهولت بتوانند در رأی دادن شرکت کنند. برای اجرای این مقصود تعداد محل‌های رأی‌گیری باید بنا به تراکم جمعیت و یا قابلیت دسترسی به صندوق مشخص گردد. زمان رأی‌گیری هم باید از زمان مشخصی شروع و در ساعت معینی اتمام یابد. البته این اصل استثنائاتی نیز دارد. بدین معنی که اگر به

حق رأی برای همه افراد واجد شرایط باید تضمین شده باشد و هیچ گونه محدودیتی برای این حق نباید وجود داشته باشد. راهکارهای مختلفی برای تضمین عدالت انتخاباتی عبارت‌اند از: ۱. شفافیت؛ شفافیت می‌تواند شامل انتشار اطلاعات مربوط به فرآیند انتخابات، از جمله نحوه شمارش آرا، نحوه برگزاری انتخابات و نحوه تعیین نتایج باشد. ۲. نظارت مستقل؛ برای تضمین عدالت، باید نهادهای مستقل و بی‌طرف بتوانند بر فرآیند انتخابات نظارت کنند. ۳. قوانین و مقررات واضح: این قوانین باید توسط همه احزاب و گروه‌های سیاسی رعایت شود و برای همه برابر باشد. ۴. دسترسی به رأی: تضمین عدالت انتخاباتی نیازمند اطمینان از دسترسی همه شهروندان به رأی است.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان حاضر در این مقاله مشارکت برابر داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

موارد دیگر انجام می‌شود که یکی از معیار تأیید صلاحیت آنان شرط عدالت است. بنابر آرای فقهای مذاهب اسلامی، داوطلبین انتخاباتی بایستی دارای عدالت وصفی و فعلی باشند. اگرچه دستیابی به شخصیت واقعی و باطنی افراد بسیار سخت و زمان‌بر است، مراجع تأییدکننده صلاحیت داوطلبان و عوامل اجرایی موظف هستند تمامی سعی خود را برای احراز عدالت انجام دهند. از سوی دیگر، انتخاب‌کنندگان علاوه بر استناد به تأییدی مراجع ذیصلاح، در احراز عدالت داوطلبین و گزینش عادلانه اصلح، باید به حسن ظاهری و اشتها عرفیه که بیانگر التزام عملی به احکام تکلیفی الهی است و پایبندی به اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی که بر مبنای فقه سیاسی است، توجه داشته باشند. از سوی دیگر، مفهوم عدالت، در امین و امانت‌دار بودن ناظران و مجریان در حفظ آرای مردم است که بیانگر عدالت فعلی آنان در امانت داری است. طبق فرمایش مقام معظم رهبری، دست‌اندرکاران انتخابات، افرادی امین و مؤتمن مردم هستند. ایشان تأکید دارند که این افراد مورد اعتماد مردم نیز هستند. اگر تعدی یا تفریطی صورت گیرد، از نظر فقهی و حقوقی ضامن هستند و حق پیگرد قانونی برای مدعیان وجود دارد.

یافته‌های جزیی عدالت انتخاباتی در حقوق، مبتنی بر اصول و مبانی قانونی است. برابری در دسترسی به انتخابات بسیار مهم است. این بدین معناست که همه افراد واجد شرایط باید بتوانند به‌طور مساوی در انتخابات شرکت کنند و هیچ گونه تبعیضی بر اساس نژاد، جنس، سن یا وضعیت اقتصادی وجود نداشته باشد. هم‌چنین، نحوه تعیین واجدین شرایط برای رأی دادن و نامزدی باید شفاف و قابل پیگیری باشد.

منابع

فارسی

کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (تعمیق و تکمیل الگوی پایه پیشرفت)، ۱۳۹۶.

- سلیمی، غلامرضا، «مفهوم‌شناسی عدالت انتخاباتی با تاکید بر عدالت رویه‌ای»، تهران، همایش کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس الگوی ایرانی پیشرفت رتبه ملی، ۳۹۸.

- عباسی سرمدی، مهدی؛ مشایخ، میلاد، «تبیین جایگاه مقتضیات زمان و مکان در فرآیند اجتهاد (مطالعه‌ای در آرای فقهای امامیه با رویکردی خاص بر اندیشه امام خمینی (ره))»، نشریه پژوهش‌نامه متین، شماره ۷۲، ۱۳۹۵.

- علوی، سیدکمال، «انتخابات مجلس شورای اسلامی در بستر دو مؤلفه ثبات و عدالت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مردادشت، ۱۳۹۳.

- قاضی، سید ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ بیست‌وهفتم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.

- کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، چاپ هشتم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵.

- گرجی، علی‌اکبر، «قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در بوتۀ نقد»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، شماره ۴، ۱۳۸۹.

- محمدی، مهین؛ راغبی، محمدعلی؛ حسینی، سید علیرضا، «بررسی مفهوم عدالت در انتخابات از منظر فقه سیاسی»، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست متعالیه، شماره ۳۸، ۱۴۰۱.

- بزرگمهری، مجید، «بررسی تطبیقی تبلیغات در نظام انتخاباتی ریاست جمهوری ایران و فرانسه»، نشریه حقوقی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، شماره ۷، ۱۳۸۶.

- بزرگمهری، مجید، بررسی نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و فرانسه، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.

- توسلی رکن‌آبادی، مجید؛ شعبان شمیرانی، علیرضا، «نقش نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی در چگونگی ایفای مسئولیت نمایندگان مجلس هفتم»، نشریه دستارهای سیاسی معاصر (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، شماره ۴، ۱۳۹۲.

- خرمشاد، محمدباقر؛ رفیعی، ابوذر، «نظام انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی (جستارهای سیاسی معاصر)»، نشریه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۳، ۱۳۹۲.

- داورپناه، ابوالفضل، تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، جلد سوم، چاپ اول، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۷۵.

- دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای، گزیده بیانات رهبر انقلاب اسلامی، چاپ ششم، تهران، نشر مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.

- سلیمی، غلامرضا، «مفهوم‌شناسی عدالت انتخاباتی با تاکید بر عدالت رویه‌ای»، تهران، ششمین

- بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، چاپ سوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰.

- بهجت، محمدتقی، توضیح المسائل، چاپ شانزدهم، قم، مکتب سماحه آیت الله العظمی بهجت، ۱۳۷۷.

- بهجت، محمدتقی، جامع المسائل، جلد اول، چاپ پنجم، قم، دفتر آیت الله العظمی بهجت، ۱۳۴۰.

- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، مسالک الافهام، چاپ ششم، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳.

- حسینی جرجانی، سید امیرابوالفتح، تفسیر شاهی، چاپ اول، تهران، انتشارات نوید، ۱۴۰۴.

- حلی (علامه حلی)، محمدحسن بن یوسف، ایضاح الفوائد، تحقیق السید حسین الموسوی الکرمانی- الشیخ علی پناه الاشتهدادی و الشیخ عبدالرحیم البروجردی، جلد سوم، چاپ چهارم، قم، المطبعه العلمیه، ۱۳۸۷.

- حلی، ابن داود، رجال ابن داود، چاپ دوم، نجف، المطبعه الحیدریه، ۱۳۹۲.

- خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، چاپ سوم، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، ۱۳۷۹.

- زحیلی، وهبه بن مصطفی، تفسیر الوسیط، جلد اول، چاپ اول، دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۲.

- سائیس، محمدعلی، آیات الاحکام، محقق سویدان و ناجی ابراهیم، چاپ اول، بیروت، المکتبه العصریه، ۱۴۲۳.

- منصوریان، مصطفی؛ نیکونهاد، حامد، نظام حقوقی حاکم بر انتخابات: نظام های انتخابانی، چاپ اول، جلد اول، تهران، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۶.

- موسی زاده، ابراهیم، دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران (اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان ۱۳۵۹-۱۳۸۹)، زیر نظر الهام غلامحسین، چاپ اول، تهران، نشر مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۰.

- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.

- ولایی، علی؛ نوبهار، رحیم، «واکاوی ملاک های فقه در ارزیابی صلاحیت نامزدهای انتخابات در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی حقوق عمومی، شماره ۷، ۱۴۰۰.

عربی

- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، جلد ششم، چاپ سوم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸.

- انصاری، مرتضی، رسائل فقهیه (رساله فی العده)، الطبعة الثانی، قم، مطبعه باقری، ۱۴۱۴.

- انصاری، مرتضی، القضاء و الشهادات، چاپ ششم، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵.

- صدوق (شیخ)، محمدبن علی، من لا یحضره الفقیه، جلد اول، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸.

- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، خلاف، چاپ ششم، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۴۰۷.

- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تذکره الفقهاء (ط القدیمة)، جلد سوم، چاپ پنجم، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۶.

- فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهیه، چاپ دوم، قم، انتشارات اعتماد، ۱۴۲۵.

- مفید (شیخ)، محمدبن محمد بن نعمان عکبری، المقنعه، چاپ سوم، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳.

- موسوی بجنوردی، محمدحسین، القواعد الفقهیه، جلد دوم، چاپ دوم، قم، انتشارات هادی، ۱۴۱۹.

- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تحقیق شیخ عباس قوچانی، جلد سیزدهم، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.

- هندی، علاءالدین، کنز العمال، محقق دمیاطی محمود عمر، جلد اول، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹.

